

آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در ایران معاصر*

□ سیدعلی اصغر حسینی محمدآباد^۱

چکیده

تربیت اخلاقی، به دلیل نقشی که در رشد و تعالی افراد و جوامع دارد، از دیرباز تا کنون، مورد توجه کتب آسمانی، پیامبران و اندیشمندان دینی و غیردینی، بوده است، در اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش ایران نیز، به این مهم توجه شده است، با این حال، بررسی میدانی میزان پابندی افراد جامعه ایران به ارزش‌های اخلاقی، فاصله‌ای بسیار زیاد، میان رشد اخلاقی افراد جامعه و محتواها و ظرفیت‌های اخلاقی موجود در منابع دینی و ملی ما را نشان می‌دهد، از این رو، این پژوهش در پی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در ایران معاصر و بیان راهکارهای مقابله با این آسیب‌ها است. روش انجام این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به منابع مکتوب و مصاحبه با صاحب نظران می‌باشد، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که آسیب‌های تربیت اخلاقی در ایران معاصر، در چند محور قابل ارزیابی است: ۱. آسیب‌های فردی؛ ۲. آسیب‌های ناشی از نظام خانواده؛ ۳. آسیب‌های ناشی از نظام آموزشی و تربیتی؛ ۴. آسیب‌های ناشی از عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی. بنابراین، راه‌های مقابله با این آسیب‌ها نیز در چند محور، ارائه شده است: ۱. نقش افراد؛ ۲. نقش خانواده‌ها؛ ۳. نقش نهادهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی؛ ۴. نقش رسانه‌ها؛ ۵.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۰۸.

۱. معاون دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

نقش حکومت اسلامی: ۶. نقش همه‌مسئولان و نهادهای مؤثر در تربیت اخلاقی.

واژگان کلیدی: تربیت، تربیت اخلاقی، آسیب‌شناسی، ایران معاصر

۱. اهمیت تربیت اخلاقی

اخلاق و تربیت اخلاقی با توجه به نقش مهمی که در سرنوشت انسان و جامعه دارد، از دیرباز، مورد توجه پیشوایان دینی و اندیشمندان دینی و غیر دینی بوده‌است. بیشترین بخش آموزه‌های دین یهود، مسیحیت و اسلام و سایر ادیان، آموزه‌های اخلاقی است و اغلب فعالیت‌های بزرگان این ادیان، در جهت تربیت اخلاقی مخاطبان بوده است (داودی، ۱۳۸۵).

با این حال، در دوره بعد از رنسانس، در غرب، به خاطر عواملی چون عملکرد بد کلیسا، گسترش فلسفه‌های تجربه‌گرا و ماده‌گرا، اومانیسیم و انسان‌محوری و نفی کاشفیت هر چیزی به‌جز انسان و عقل و خواست او و به انزوا بردن دین و خداوند از زندگی و جامعه انسانی، با کم‌مهری و بی‌توجهی مواجه و گاهی با آن، مبارزه شد (کاردان، ۱۳۷۹: غفاری، ۱۳۸۲)، این امر سبب شد که این کشورها، از نظر فردی و اجتماعی دچار آسیب‌های جدی شوند.

بنابراین، این تجربه تلخ نشان داد که انسان، خواه مؤمن به دینی باشد یا نباشد، هیچ‌گاه، بی‌نیاز از تربیت اخلاقی نیست، از این‌رو، امروزه، تربیت اخلاقی از موضوعات مهم و مورد توجه اندیشمندان حوزه تعلیم و تربیت، مربیان، معلمان و والدین در مغرب زمین شده است و تحقیقات متنوع و متعددی در این زمینه، انجام گرفته و می‌گیرد (داودی، ۱۳۸۵).

قرآن، کتاب اخلاق و تربیت است و از وجوه اعجاز قرآن، اعجاز اخلاقی و ارائه اصول و روش‌های تربیت اخلاقی هماهنگ با فطرت توحیدی انسان است (فیروزمهر، ۱۳۹۳: ۱۰-۱۲)، قرآن، بهترین نسخه شفابخش بیماری‌های روحی مؤمنان است (اسراء/۸۲)، و در قرآن، همه انسان‌ها به کسب فضایل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی، دعوت شده‌اند (نحل/۹۰)، افزون بر این، خداوند، هدف از نزول قرآن را پرورش همه

جانبه انسان‌ها (تزکیه^۱)، بیان داشته (جمعه/۲)، و تمام معارفی که در قرآن مطرح شده، در این راستا، قابل ارزیابی است (تاج‌الدین و پازارگادی، ۱۳۸۸)، قرآن، کتاب و برنامه جامع تربیت است (فیروزمهر، ۱۳۹۳: ۱۳۹)، این کتاب، انسان‌ها را به گام نهادن در مسیر رشد و تربیت تشویق نموده، ویژگی‌های نیک اخلاقی و صاحبان این ویژگی‌ها را ستوده (فرقان، ۶۳-۷۶)، و خصوصیات بد اخلاقی و صاحبان آنها را، نکوهش کرده است (ماعون، ۷-۱)، پیامبر اسلام ﷺ نیز، هدف از بعثت خویش را، به کمال رساندن مکارم اخلاق بیان داشته^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۰/۱۶)، فرموده‌اند، اسلام، همان داشتن اخلاق نیک است^۳ (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱۷/۳).

با توجه به اهمیت تربیت اخلاقی نزد جوامع مختلف، امروزه، در روان‌شناسی و علوم تربیتی، رویکردهای متنوع و زیادی در زمینه تربیت اخلاقی (مانند: رویکرد شناخت و رشد استدلال اخلاقی^۴، رویکرد تربیت منش^۵ و رویکرد دل‌مشغولی^۶)، وجود دارد که هر کدام، مبانی، اهداف، اصول و روش‌های متفاوتی برای تربیت اخلاقی دارند (داودی، ۱۳۸۵).

تربیت اخلاقی، برای ایجاد و حفظ سلامت، نشاط و رشد فردی و اجتماعی و رسیدن به پیشرفت و سعادت در دنیا و آخرت، امری لازم و ضروری است، در مقابل نبود تربیت اخلاقی کارآمد، آسیب‌های فردی و اجتماعی، چون بحران هویت، اعتیاد، خودکشی، فساد اخلاقی، ناسازگاری و مانند اینها را به دنبال دارد (رضاپور میرصالح و صیادی‌فرد، ۱۳۹۵)، از این‌رو در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، به تربیت اخلاقی جامعه ایرانی، توجه شده است، بر اساس این سند، جامعه ایرانی در افق

۱. محمدحسین فضل‌الله در بیان معنی واژه «تزکیه» می‌گوید: تزکیه به معنای از میان برداشتن تمام موانعی است که در مسیر رشد و تربیت همه جانبه انسان قرار دارد؛ به گونه‌ای که انسان در اندیشه، اخلاق و رفتار خویش، از بدی‌ها و پستی‌ها، پاک شده، به رشد شایسته خود برسد (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۲/۲۰۶).

۲. «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ».

۳. «(الاسلام، حسن الخلق)».

4. Moral Reasoning

5. Character Education

6. care approach

این چشم‌انداز، چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

«توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی...» (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۲). به همین دلیل، در سند راهبردی تحول نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، به تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی توجه ویژه‌ای شده است، در این سند، بخش مهمی از اهداف آموزش و پرورش، تربیت اخلاقی دانش‌آموزان است، مثلاً در بند اول فصل چهارم (هدف‌ها)، اولین هدف نظام آموزش و پرورش را اینگونه ترسیم کرده است:

«تربیت انسانی موحد و مؤمن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت‌جو و عاقل، عدالت‌خواه و صلح‌جو، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن‌دوست، مهرورز، جمع‌گرا و جهانی‌اندیش، ولایت‌مدار و منتظر و تلاشگر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، با اراده و امیدوار، خودباور و دارای عزت نفس، امانت‌دار، دانا و توانا، پاکدامن و باحیاء، انتخاب‌گر و آزادمنش، متخلق به اخلاق اسلامی، خلاق و کارآفرین و مقتصد و ماهر، سالم و بانشاط، قانونمدار و نظم‌پذیر و آماده ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی براساس نظام معیار اسلامی» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹)

با توجه به این هدف، در فصل دوم (بیانیه مأموریت)، مسئولیت تعلیم و تربیت رسمی عمومی را بر عهده وزارت آموزش و پرورش قرار داده، گفته است:

«وزارت آموزش و پرورش، مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی فرآیند تعلیم و تربیت در همه ساحت‌های تعلیم و تربیت، قوام‌بخش فرهنگ عمومی و تعالی‌بخش جامعه اسلامی بر اساس نظام معیار اسلامی، با مشارکت خانواده، نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی است، این نهاد مأموریت دارد با تأکید بر شایستگی‌های پایه، زمینه دست‌یابی دانش‌آموزان در سنین لازم‌التعلیم طی دوازده پایه (چهار دوره تحصیلی سه ساله)، تحصیلی به مراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی را به صورت نظام‌مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثربخش فراهم سازد» (همان).

بنابراین، اگرچه در منابع دینی و فرهنگی، سند چشم انداز بیست ساله و سند تحول نظام تعلیم و تربیت توجه و تأکید فراوانی بر تربیت اخلاقی شده است، اما آنچه در جامعه به عنوان خروجی و نتیجه تلاش های نهادهای تربیتی (خانواده، آموزش و پرورش، رسانه ملی و...) دیده می شود، چندان رضایت بخش و متناسب با ظرفیت های تربیتی فرهنگ شیعی و ایرانی - اسلامی نیست (زادگی میرزایی، ۱۳۹۵). به همین دلیل، این پرسش ها مطرح می شود که: «چرا بعد از انقلاب در زمینه تربیت اخلاقی، سبک زندگی و اخلاق اجتماعی، پیشرفت قابل قبولی نداشته ایم؟» و «چه موانعی در برابر تحقق اهداف تربیت اخلاقی در ایران معاصر وجود دارد؟» و «فرایند تربیت اخلاقی در ایران امروز، با چه مشکلات و آسیب هایی روبرو است؟».

از جمله پژوهش هایی که در زمینه آسیب شناسی تربیت اخلاقی نگاشته شده است، می توان به پژوهش حسین زاده (۱۳۸۶)، اشاره کرده که در پژوهش خود، با آسیب شناسی تربیت اخلاقی در ایران، به صورت مختصر، به نقش خانواده ها، اجتماع و مدرسه، در ایجاد عوامل آسیب زایا، اشاره کرده است. گل محمدی و خیراللهی رکن آبادی (۱۳۹۵)، نیز در پژوهش خود با آسیب شناسی تربیت اخلاقی و اجتماعی جامعه معاصر ایران، پیشنهاد می دهد که برای اخلاقی و جامعه پذیرتر کردن افراد، باید مسئولان، در زمینه شناخت، ایمان و عمل، بهتر عمل کنند. رسولی شورکی (۱۳۹۵)، نیز در پژوهش خود نشان داده است که دست یابی به سلامت روانی جامعه، بدون توجه به تربیت اخلاقی و تلاش برای آن، ممکن نیست. هنرجو و همکاران (۱۳۹۴).

با آسیب شناسی تربیت دینی در مدارس ایران، به نقش محتوای دروس دینی، معلمان، محیط مدرسه، محیط خانواده و اجتماع در بروز آسیب های اخلاقی در دانش آموزان، اشاره کرده اند. پژوهش افشین و همکاران (۱۳۹۵)، نیز با بررسی جایگاه تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، بسیاری از آسیب های اخلاقی دانشجویان را ناشی از برنامه ریزی ناکارآمد تربیتی در نظام آموزش عالی دانسته است. ذوالقدر نسب و همکاران (۱۳۹۵)، نیز در پژوهش خود نشان داده اند که پایبندی معلمان و مسئولان مدارس، نقش تعیین کننده ای در تربیت اخلاقی دانش آموزان دارد. موسوی (۱۳۹۵)، نیز بر این باور است که معلم می تواند با تقویت روحیه حقیقت جویی و تقویت قدرت تفکر

دانش‌آموزان و با الگوی اخلاقی خوب بودن برای آنان، نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد اخلاقی دانش‌آموزان، داشته باشد. زادگی میرزایی (۱۳۹۵)، نیز با آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در محیط‌های آموزشی بر اهمیت نقش معلم و محیط مدرسه در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان، تأکید کرده است. رضاپور میرصالح و صیادی‌فرد (۱۳۹۵)، نیز با تأکید بر جایگاه خانواده در تربیت اخلاقی کودکان، برخی از آسیب‌های فردی و اجتماعی فقدان تربیت اخلاقی را بیان نموده، راهکارهایی برای تقویت نقش تربیتی خانواده، بیان کرده است. حسینی‌پور عزآبادی (۱۳۹۵)، در پژوهش خود، ابتدا برخی از عوامل آسیب‌زا در تربیت اخلاقی را بیان نموده، سپس به تبیین نقش محیط، در تربیت یا انحطاط اخلاقی افراد، پرداخته است. پژوهش شیبانی و کریمی (۱۳۹۵)، و شیرزاد کبریا و همکاران (۱۳۹۵)، نیز جایگاه خانواده و مسجد را در تربیت اخلاقی کودکان نشان داده است. پژوهش ذاکریان و متعجیان (۱۳۹۵)، نیز به بررسی نقش رسانه‌های جمعی در رشد یا انحطاط اخلاقی و اجتماعی جامعه، پرداخته است.

بررسی این پژوهش‌ها نشان می‌دهد پژوهش‌هایی که در زمینه آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در ایران، نگاشته شده است، اغلب، قدیمی بوده، افزون بر این، دارای نظم منطقی و انسجام نبوده‌اند، از سوی دیگر، این پژوهش‌ها، ناقص بوده و تنها به برخی از آسیب‌ها، اشاره کرده‌اند، همچنین، این پژوهش‌ها، راهکارهای مناسب برای جلوگیری و درمان این آسیب‌ها، پیشنهاد نداده‌اند، از این رو، این پژوهش می‌خواهد آسیب‌های کنونی تربیت اخلاقی ایران را، با نظم و انسجام منطقی، بررسی کرده، راه‌های مقابله با آنها را بیان نماید، لذا، پژوهش حاضر در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است:

۱. آسیب‌های تربیت اخلاقی، در ایران معاصر چیست؟

۲. راه‌های مقابله با این آسیب‌ها، چه می‌باشد؟

روش انجام این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است؛ به این شکل که برای یافتن آسیب‌های تربیت اخلاقی در ایران معاصر و راهکارهای مقابله با آنها، به پژوهش‌های مکتوبی که در این زمینه، وجود داشت، مراجعه شد، اما با توجه به نواقصی که در این پژوهش‌ها وجود داشت و برای اینکه پاسخ به پرسش‌های یاد شده، روزآمد، واقعی، کاربردی و گره‌گشا باشد، با برخی از اساتید و صاحب‌نظران در مسائل تربیت در حوزه

و دانشگاه نیز گفت‌وگو شده، پاسخ‌های ایشان، (با امانت‌داری و حفظ محتوای سخنان ایشان)، به صورت دسته‌بندی شده و منظم، ارائه گردیده است.

۲. آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در ایران معاصر

در حوزه‌های تربیت و از جمله تربیت اخلاقی، بهداشت جسم و روان و حتی در حوزه‌های پرورش گیاهان و زراعات، آسیب‌شناسی امری مهم به شمار می‌رود، آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی، دو معنا دارد:

۱. آسیب‌شناسی اخلاقی گاهی به این معنا است که چرا کار تربیتی ما به اهدافی که می‌خواستیم نرسیده است؟ مثلاً مربی می‌خواسته حیا را به متریان، بیاموزد، اما در افراد کمی و به اندازه کم اثر گذاشته است.

۲. گاهی نیز آسیب‌شناسی اخلاقی به این معنا است که چرا کار تربیتی ما، آثار نامطلوبی که مد نظر ما نبوده است، ایجاد کرده است؟ مثلاً مربی می‌خواسته، ایمان متریان را ارتقا دهد، اما در اثر کار تربیتی او، در آنها غرور ایجاد شده است (سعیدی‌رضوانی، ۱۳۹۶)، در این پژوهش، منظور از آسیب‌شناسی، هر دو معنای آن است، با توجه به معنای یادشده، آسیب‌های تربیت اخلاقی در ایران معاصر، در چند محور قرار دارد:

۲-۱- آسیب‌های فردی

اختیار و گرایش درونی انسان به پستی‌ها: «انسان، موجودی است که از جسم مادی و روح الهی متعالی تشکیل شده است؛ به همین دلیل، تمایلات و گرایش‌های انسان نیز دو گونه است: گرایش‌های پست مادی و گرایش‌های عالی معنوی، در این میان، انسان، مختار است و می‌تواند هر کدام از این دو گونه گرایش و تمایل را، انتخاب کرده، در مسیر آنها حرکت کند، بنابراین، اگر تمام شرایط برای تربیت معنوی و اخلاقی انسان فراهم باشد، باز هر فردی اختیار دارد که مسیر رشد و تعالی را انتخاب کند، یا مسیر پستی و انحطاط را. در داستان فرزندان آدم علیهم‌السلام در قرآن کریم، قاییل که به خاطر حسادت خویش، هابیل را می‌کشد، نمی‌توان گفت که علت این کار قاییل، تربیت بد خانوادگی، شرایط بد اجتماعی و مانند آنها است؛ بلکه این تمایلات پست

حیوانی قابیل است که او را به کشتن برادرش برمی‌انگیزد و قابیل نیز همین تمایلات را انتخاب کرده، مرتکب قتل می‌شود» (نقی‌زاده، ۱۳۹۶)، بنابراین، تربیت یک امر داوطلبانه و اختیاری است، یعنی ممکن است ما بهترین برنامه‌ها و فضاها را داشته باشیم، اما برخی افراد آن‌گونه که ما می‌خواهیم تربیت نشوند؛ زیرا خودشان به آن، باور ندارند و نمی‌خواهند (گل‌محمدی و رکن‌آبادی، ۱۳۹۵). مثلاً ممکن است در یک خانواده که والدین منظمند و برای منظم کردن فرزندشان برنامه دارند، فرزندشان به خاطر ترس از تنبیه و فشار نظم را رعایت کند، اما در هنگامی که این تنبیه و فشار نباشد، بی‌نظم باشد (درایتی، ۱۳۹۶).

۲-۲- آسیب‌های ناشی از نظام خانواده

۱. اهمیت ندادن به تربیت اخلاقی فرزندان: در خانواده‌های ما، اخلاق و تربیت، اهمیت چندانی ندارد، مثلاً در خانواده‌های ما، آموزش آداب اجتماعی به فرزندان و رعایت ظواهر اجتماعی، مهم‌تر است از تربیت اخلاقی و به دست آوردن رضایت الهی؛ مثلاً فرزند خود را تشویق می‌کنند که در میهمانی‌ها، لباس‌هایی بپوشند که مخالف اصول اخلاقی و آموزش‌های دینی است (جاویدی کلاته جعفرآبادی، ۱۳۹۶)، از این‌رو است که می‌بینیم امروزه، بیشتر خانواده‌های ایرانی، بیش و پیش از آنکه به تربیت اخلاقی و دینی فرزندان خود توجه کنند، (حتی از سنین کودکی)، به فکر آموزش، کلاس کنکور و رفتن به دانشگاه فرزندان پسر و دختر خود هستند، به همین دلیل، دیده می‌شود که خانواده‌ها، به خاطر این بی‌توجهی‌ها و کوتاهی‌ها، نقش تربیتی خود را نسبت به فرزندان، تا حدودی از دست داده‌اند و سایر عوامل اثرگذار در تربیت اخلاقی فرزندان (مانند رسانه‌ها و محیط)، گوی سبقت را از آنان، ربوده‌اند (حسین‌زاده، ۱۳۸۶).

۱. بی‌توجهی به نقش الگویی والدین و بزرگ‌ترها برای کودکان، از گذشته تا کنون و در تمام فرهنگ‌ها و ملت‌ها، خانواده نقش مهمی در تربیت اخلاقی فرزندان و جامعه‌پذیر کردن آنان داشته است، با این حال، یکی از آسیب‌هایی که در نظام خانواده در رابطه با تربیت اخلاقی فرزندان وجود دارد، بی‌توجهی والدین و

بزرگ‌ترها به نقش الگویی آنان برای کودکان و میزان اثرگذاری رفتارهای آنان بر کودکان و انجام رفتارهای خلاف اخلاق از سوی والدین و بزرگ‌ترها و تقلید فرزندان و کوچک‌ترها از آنان است، بنابراین، برخی خانواده‌ها، نه تنها برای تربیت اخلاقی فرزندان خود، دغدغه‌ای ندارند، بلکه مانع تربیت اخلاقی و سبب سقوط اخلاقی آنان هستند (حسین‌زاده، ۱۳۸۶). همین خانواده‌ها هستند که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت به آنان، تأسف خورده، از آنان بی‌زاری نموده است^۱ (بروجردی، ۱۳۳۶: ۴۰۸/۲۱ و نجفی، ۱۴۲۳: ۲۴۶/۱۲).

۳. وجود اختلافات خانوادگی و طلاق: پژوهش‌ها نشان می‌دهد، نوجوانان و جوانان، در خانواده‌هایی که در آنها، میان والدین، ناسازگاری و ستیز وجود دارد و یا خانواده‌هایی که با طلاق، از هم پاشیده‌اند، دچار آسیب‌های اخلاقی جدی (چون: عقب ماندگی اجتماعی، تندخویی، پرخاشگری، بدبینی و مانند اینها)، هستند و امکان گرایش آنان به رفتارهای ضد اخلاقی، بسیار بیشتر از خانواده‌هایی است که در آنها، جو سازگاری، محبت و ایثار، حاکم است (حسین‌زاده، ۱۳۸۶).

۲-۳- آسیب‌ها و مشکلات ناشی از نظام آموزشی و تربیتی

۱. کمبود منابع کاربردی و کارآمد: «یکی از مشکلاتی که در تربیت اخلاقی ما وجود دارد این است که منابع مکتوب کهن اخلاقی ما، کاملاً برگرفته از قرآن کریم و روایات و سیره اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام نیست؛ بلکه مبانی اخلاقی ما، ابتدا از مبانی اخلاق کهن یونانی گرفته شده است؛ سپس با آیات و روایات، آراسته شده است، مثلاً کتاب‌های احیاء علوم الدین، المحجّة البیضاء، معراج السعاده و جامع السعادات به این شکل نگارش شده‌اند» (مرویان حسینی، ۱۳۹۶). بنابراین، یکی از آسیب‌های تربیت اخلاقی در ایران این است که منابع و متون تربیتی و اخلاقی کاربردی و برگرفته از

۱. ایشان نسبت به خانواده‌های آخر الزمان که تنها به مسائل مادی فرزندان خود توجه داشته، هیچ دغدغه و توجهی به تربیت دینی آنان ندارند؛ بلکه مانع تربیت دینی آنان نیز می‌شوند، اظهار بی‌زاری نموده است: «روى عن النبى صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى بَعْضِ الْأَطْفَالِ فَقَالَ وَيْلٌ لِأَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمْ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمْ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَلِّمُونَهُمْ شَيْئاً مِنَ الْقُرْآنِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بِعَرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ».

آیات و روایات اسلامی و متناسب با نیاز مخاطبان امروزی کم است و کارشناسان دینی و تربیتی که بتوانند این منابع و متون را طراحی و تولید نمایند، اندک می‌باشند (هنرجو و همکاران، ۱۳۹۴).

افزون بر این، معلمان و مربیان تربیتی، برای تدریس متون تربیتی و اخلاقی موجود و انتقال مفاهیم تربیتی به متربیان، معمولاً از روش‌های سنتی و حفظ‌محور که کم‌بازده هستند و کمتر به ایجاد بینش و رفتار اخلاقی در دانش‌آموزان و متربیان، منجر می‌شود، استفاده می‌کنند، همچنین، روش ارزیابی مبتنی بر نمره، برای تشخیص میزان یادگیری و رشد تربیتی دانش‌آموزان که امروزه در مدارس رایج است، از سویی تنها محفوظات ذهنی دانش‌آموزان را مورد ارزیابی قرار می‌دهد نه میزان بینش، گرایش و آراستگی آنان به ارزش‌های اخلاقی را، از سوی دیگر، با تقسیم دانش‌آموزان به قوی و ضعیف، سبب برچسب خوردن دانش‌آموزان ضعیف و دوری و فاصله گرفتن بیش از پیش آنان از ارزش‌های دینی و اخلاقی می‌گردد (همان).

۲. بهاء ندادن به تربیت اخلاقی در نظام آموزشی کشور: مهم‌ترین مشکل در بحث تربیت اخلاقی در کشور ما این است که اگر چه در شعارها و اهداف کلی نظام آموزشی ما، تربیت اخلاقی، مهم و ضروری دانسته شده است؛ اما در عمل، توجه چندانی به آن نمی‌شود (گلمحمدی و خیراللهی رکن‌آبادی، ۱۳۹۵)، یعنی در مدرسه‌های ما، آنچه اهمیت و اولویت دارد و مورد توجه است، آموزش است و در دانشگاه‌های ما، آموزش و پژوهش، حاکمیت این نگاه در نظام آموزشی ما، آثاری در پی داشته است (غفاری، ۱۳۹۶)، مانند:

۱. در محتواهای آموزشی، تربیت معلم، تدوین سندهای راهبردی و... بیشتر به آموزش توجه شده است؛ نه پرورش و تربیت، مثلاً اگر تعداد کتاب‌های آموزشی و تخصصی که در مدارس هست را با کتاب‌های تربیتی آنها مقایسه کنیم، حاکمیت این نگاه را در آموزش و پرورش می‌بینیم (همان).

۲. معلمان پرورشی و مربیان اخلاقی ما، ضعیف‌ترین معلم‌های ما هستند؛ زیرا، نه در این زمینه آموزش دیده و تخصص دارند و نه با فنون ارتباطی و اثرگذاری بر مخاطب، آشنا هستند (زادگی میرزایی، ۱۳۹۵).

۳. معلمان و اساتید ما، الگوهای اخلاقی خوبی برای دانش‌آموزان و دانشجویان نیستند و در ارزیابی معلمان و اساتید، بیشتر به ملاک‌های علمی توجه شده است؛ تا ملاک‌های اخلاقی و ارزشی (همان).

بنابراین، با اینکه پرورش و تربیت اخلاقی دانش‌آموزان و دانشجویان، جزء اهداف کلان نظام آموزشی ما است، اما نسبت به آن غفلت و بی‌توجهی وجود دارد و راهکارهای عملی برای رسیدن به این هدف، تعریف نشده است (حسین‌زاده، ۱۳۸۶).

۳. نداشتن مدل‌های کاربردی تربیت اخلاقی: هر چند که در کشور ما بعد از انقلاب اسلامی، مواظ اخلاقی، زیاد داشته‌ایم، اما مدل‌های کاربردی و مفید تربیت اخلاقی متناسب با سن مخاطب، جنس مخاطب، محیط‌های خانوادگی و اجتماعی، مسائل فردی و اجتماعی و... نداشته‌ایم (گلمحمدی و خیراللهی رکن‌آبادی، ۱۳۹۵). مثلاً به مسائلی مانند فرهنگ آپارتمان‌نشینی، فرهنگ حمل و نقل و مانند آن، کمتر توجه شده است، یعنی بیشتر به صورت کلی به تربیت اخلاقی نگاه شده است؛ نه جزئی و کاربردی (مرویان حسینی، ۱۳۹۶).

۴. کمبود نگاه تربیتی کاربردی در کارهای فرهنگی: یکی از مشکلاتی که در تربیت اخلاقی کشور ما وجود دارد این است که کتاب‌های درسی اخلاقی که در مدارس ما، آموزش داده می‌شود، حفظ‌محور و کمتر کاربردی است؛ از این‌رو، این آموخته‌ها، خیلی زود از سوی دانش‌آموزان فراموش می‌گردد (حسینی‌پور عزآبادی، ۱۳۹۵). افزون بر این «نگاه ما باید نگاه تربیتی باشد نه تبلیغی، یعنی به جای تبلیغ اخلاقی، باید تربیت اخلاقی کرد که به صورت مشاوره فردی و گروهی است، مثلاً یک مربی اخلاق، چندین سال در یک مدرسه فعالیت کند و با بچه‌ها ارتباط صمیمانه داشته باشد این سبب می‌شود که او بچه‌ها را بشناسد، مشکلات هر کدام را بداند و راهکارهای مناسب برای هر کلاس و هر فرد ارائه کند و در نهایت، کار تربیتی او اثرگذار شود، اما الآن اغلب کارهای تربیتی ما به این صورت است که مربی و معلم اخلاق، در هفته یک ساعت در کلاس با دانش‌آموزان و دانشجویانی که هیچ شناختی از آنها و مسائل و مشکلاتشان ندارد صحبت می‌کند، اثرگذاری این شکل کار تربیتی، بسیار کم و گاهی همراه با آثار منفی تربیتی است» (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۶).

۵. بی‌اعتقادی و پایین‌بودن برخی مسئولان، معلمان و اساتید به ارزش‌های اخلاقی: برای موفقیت در تربیت اخلاقی، مسئولان، معلمان و مربیان، باید از جایگاه الگویی خود برای دانش‌آموزان آگاه باشند (موسوی، ۱۳۹۵)، و به آموزه‌های تربیتی باور داشته، پایین‌باشند (گلمحمدی و خیراللهی رکن‌آبادی، ۱۳۹۵)، با این حال، برخی از مسئولان آموزش و پرورش کشور و برخی از معلمان و اساتید ما، تفکر لیبرال و سکولار دارند و گاهی مخالف با عقاید و اخلاق دینی و اسلامی هستند، مسلم است که هرگاه معلم و استاد، در کلاس درس دین و تربیت دینی را مسخره کند، دانش‌آموز و دانشجوی بی‌دین و بد اخلاق، پرورش می‌دهد (نقی‌زاده، ۱۳۹۶).

۶. عملکرد بد برخی از مبلغان دینی: «روحانیت شیعه، مربیان، مبلغان و الگوهای اخلاقی جامعه ایران بوده‌اند، عملکرد بد اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و... برخی از روحانیان - به ویژه پس از انقلاب - هنگامی که با سپاه‌نمایی، بدخواهی، بزرگ‌نمایی و تبلیغات منفی رسانه‌های ضدانقلاب همراه می‌شود، از یک سو، جو بدبینی و بی‌اعتمادی مردم به روحانیت را دامن می‌زند، از سوی دیگر، زشتی و بدی خیلی از بد اخلاقی‌ها و گناهان ریخته شده مردم به راحتی بدون عذاب وجدان و گاهی برای انتقام گرفتن از دین و روحانیت، آنها را انجام می‌دهند» (نقی‌زاده، ۱۳۹۶).

۲-۴- آسیب‌های ناشی از عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

۱. تضاد در رفتار خانواده‌ها، مربیان، معلمان، رسانه‌ها و مسئولان حکومت با اهداف و آموزش‌های اخلاقی: کودکان و دانش‌آموزان ما، در خانواده‌ها و مراکز آموزشی ما، رفتارهای ضد اخلاقی از والدین، مربیان، معلمان و اساتید خویش می‌بینند که این رفتارها، با سخنان و سفارش‌های اخلاقی ایشان، مخالف است، این امر سبب می‌شود که کودک، نوجوان و جوان ما - که نمی‌تواند این دوگانگی و تضاد را حل کند - دچار دوگانگی شخصیت و مشکلات اخلاقی شود (جاویدی کلاته جعفرآبادی، ۱۳۹۶).

افزون بر این: «سبک زندگی مردم بسیار تحت تأثیر عملکرد و زندگی مسئولان نظام است نه سخنرانی‌ها و کتاب‌های اخلاقی، بنابراین، وقتی که یک مقام حکومتی، به

ویژه اگر روحانی باشد، زندگی اشرافی و مجلل دارد یا با دختران بدحجاب، عکس می‌گیرد، مردم عادی او را می‌بینند و میل به اشرافی‌گری و بدحجابی پیدا می‌کنند، همچنین، رفتارهایی چون: جنگ قدرت در میان مسئولان و مقامات حکومتی، اختلاس مسئولان یا نزدیکان آنها، قرار دادن وثیقه‌های میلیاردی برای آزاد کردن نزدیکان مقامات حکومتی و کارهایی از این دست، آثار بسیار منفی اخلاقی بر مردم دارد» (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۶).

۲. مشکلات و فشارهای اقتصادی: همان‌گونه که تجمّل‌گرایی و رفاه بیش از حد، زیان‌بار است، فقر و فشارهای اقتصادی بر مردم نیز اثر منفی در عقاید و اخلاق ایشان دارد (گلمحمدی و خیراللهی رکن‌آبادی، ۱۳۹۵)، در شرایط اقتصادی بد جامعه نامتوازن شده، دو دسته فقیر و ثروتمند ایجاد می‌شود، هر کدام از این دو حالت، آثار منفی اخلاقی برای افراد به دنبال دارد و جامعه را از درون، پوسانده و متلاشی می‌کند، یکی از انگیزه‌های تحریم‌های بی‌رحمانه علیه ایران از سوی کشورهای سلطه‌گر جهانی، همین نکته است (نقی‌زاده، ۱۳۹۶)، از این‌رو پژوهش‌ها نشان می‌دهد اضطراب، بدبینی، نداشتن هدف در زندگی، ضعف در اعتماد به نفس و اختلالات رفتاری در نوجوانانی که در خانواده‌های فقیر زندگی می‌کنند، بیشتر از نوجوانانی است که در خانواده‌های با درآمد مناسب، زندگی می‌کنند (حسین‌زاده، ۱۳۸۶)،

۳. تهاجم فرهنگ غربی: «بخشی از مشکلات ما ناشی از تهاجم فرهنگ غربی به فرهنگ ما است، فرهنگ لیبرال و سکولار، اخلاق لیبرال و سکولار را ترویج می‌کند، اما فرهنگ توحیدی و دینی، اخلاق تعهد و مسئولیت را، کشورهای سلطه‌گر غربی، با ابزارهای تبلیغاتی خود، مانند: ماهواره، فیلم‌های سینمایی، سایت‌ها و وبلاگ‌های مختلف در فضای مجازی، در صدد تخریب فرهنگ‌های محلی و منطقه‌ای رقیب است» (حسین‌زاده، ۱۳۸۶)، مثلاً گاهی در یک فیلم چهار دقیقه‌ای و کوتاه، بیست شبهه اعتقادی و اخلاقی را به مخاطب القاء می‌کنند (نقی‌زاده، ۱۳۹۶)، همچنین بیشترین محتوایی که در فیلم‌ها و بازی‌های رایانه‌ای، به کودکان، نوجوانان و جوانان القا می‌شود، فحشا و خشونت است که آثار ضد اخلاقی عمیق و طولانی بر آنان دارد (حسین‌زاده، ۱۳۸۶)، افزون بر این: «جامعه ایران، یک

جامعه یک‌دست نبوده و نیست؛ بلکه فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های مختلفی مانند: شیعی، سنی، یهودی، مسیحی، بهایی، لیبرال، سلطنت‌طلب و مانند اینها در آن وجود دارد که اینها بر همدیگر اثر گذاشته گاهی اثر همدیگر را خنثی می‌کنند» (نقی‌زاده، ۱۳۹۶).

این حجم از تهاجم فرهنگی، تبلیغات منفی و تضادهای فرهنگی، سبب کم‌رنگ شدن برخی ارزش‌های اخلاقی و رایج شدن برخی ضد ارزش‌ها و هنجارشکنی‌های اجتماعی در جامعه ما شده است (حسینی‌پور عزآبادی، ۱۳۹۵).

۴. ساختارهای اجتماعی آسیب‌رسان: «گفتن آیات و روایات اخلاقی و مفاهیم آنها به مخاطب برای تربیت اخلاقی او، بدون ایجاد ساختارهای اجتماعی مناسب، ساده‌انگارانه است، ساختارهای اجتماعی و اجتماع، خودش تربیت‌کننده است و خیلی از کارهای تربیتی که ما می‌کنیم در تضاد با ساختارها و الگوهای اجتماعی، بی‌اثر می‌شوند، به‌عنوان نمونه، یکی از مشکلات ریشه‌ای اخلاقی در جامعه ما، خودکم‌بینی و احساس کوچکی در افراد است، این احساس، افزون بر اینکه خودش یک آسیب است، ساختارهای اجتماعی آسیب‌زا نیز ایجاد کرده است، مثلاً نظام پاداش‌دهی اجتماعی ما را دچار مشکل کرده است، در جامعه ما، به شخص بی‌حیا و بی‌حجاب، توجه می‌شود، علاوه بر این، بی‌حجابی، نشانه باکلاس و به روز بودن است؛ یعنی دختر ما برای اینکه بگویید من باکلاس و بالاشهرنشین هستم و خودکم‌بینی‌اش را التیام بخشید، بی‌حجاب و بدآرایش می‌شود، همچنین تجمل‌گرایی در بین مردم، نشانه باشخصیت و متعلق به طبقه بالای اجتماعی بودن، است؛ به همین دلیل، فرد، برای اینکه احساس کوچکی کردن خود را درمان کرده، نشان دهد که پولدار و مرفه است، تمام دارایی خود را می‌فروشد تا یک ماشین تجملی یا لباس‌هایی که اشخاص مرفه می‌پوشند را تهیه کند یا در بخش‌های مرفه‌نشین شهر خانه اجاره می‌کند تا برای دخترش خواستگار پیدا شود؛ زیرا مردم با دید بهتری به آنها نگاه می‌کنند» (سعیدی‌رضوانی، ۱۳۹۶).

۵. تحولات سریع اجتماعی: بخشی از مسائلی که در تربیت اثرگذار است اصلاً در دست و اختیار ما نیست، مثلاً تحولات اجتماعی به خاطر عواملی مانند گسترش

فناوری‌های نوین ارتباطی، آن‌قدر سریع است که وقتی یک موج و هجمه جدید ایجاد می‌شود، تا متولیان تربیت در هر جامعه‌ای بخواهند راهکار مقابله با آنرا پیدا کنند، بخشی از افراد جامعه را آب برده است (درایتی، ۱۳۹۶). افزون بر این، این تحولات شکاف بین نسل‌ها را زیاد کرده است، به گونه‌ای که برقراری ارتباط با نسل جوان و انتقال مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی به آنان، بسیار سخت است (گلمحمدی و خیراللهی رکن‌آبادی، ۱۳۹۵)، به همین دلیل است که متولیان تعلیم و تربیت در هر جامعه‌ای باید آینده‌پژوهی، آینده‌نگری و قدرت پیش‌بینی کردن مسائل و مشکلات تربیتی در آینده را داشته باشند تا مسائل و مشکلات تربیتی نسل‌هایی که در آینده می‌خواهیم تربیت کنیم، کمتر شود (درایتی، ۱۳۹۶).

بنابراین، به صورت کلی می‌توان گفت بخشی از آسیب‌های تربیت اخلاقی در ایران معاصر، از سویی ناشی از نشناختن و استخراج نکردن مدل و نظام تربیتی دینی بر اساس آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام است و از سوی دیگر به خاطر ناکارآمدی مدل تربیتی موجود است، بخشی از این آسیب‌ها نیز ناشی از غفلت و بی‌توجهی به تربیت اخلاقی از سوی مسئولان و یا ناتوانی آنان در اجرای درست این وظیفه مهم است، در بخش بعد راهکارهای مقابله با این آسیب‌ها بیان شده است.

۳. راه‌های مقابله با آسیب‌های تربیت اخلاقی

همان‌گونه که بیان شد افراد، گروه‌ها و نهادهای مختلفی در آسیب‌های تربیت اخلاقی در ایران، نقش دارند، از این‌رو، برای مقابله با این آسیب‌ها نیز، همین افراد، گروه‌ها و نهادها، باید اقدامات لازم و مناسب را انجام دهند، در این بخش، نقش افراد، خانواده‌ها، نهادهای آموزشی، رسانه‌ها و دولت برای مقابله با این آسیب‌ها، بررسی شده است.

۳-۱- نقش افراد

احساس مسئولیت و تلاش برای رشد اخلاقی خود: اگرچه برای موفقیت در تربیت اخلاقی، باید یک نظام جامع کاربردی برای تربیت اخلاقی طراحی و اجرا شود و همه

نهادها باید همراه و هماهنگ با این نظام حرکت کنند اما در نهایت این خود افراد هستند که نسبت به تربیت اخلاقی خود، مسئولند و می‌توانند و باید برای سلامت و رشد اخلاق خود، تلاش کنند (مرویان حسینی، ۱۳۹۶).

۲-۳- نقش خانواده‌ها

۱. تقویت بنیان خانواده: همان‌گونه که سست شدن و از هم پاشیدن بنیان خانواده، زمینه‌ساز شکل‌گیری و تشدید ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی در فرزندان و افراد خانواده است، تقویت بنیان خانواده و تلاش برای توانا کردن خانواده در انجام نقش‌ها و وظایف خود، نقش تعیین‌کننده و زیربنایی در رشد و تربیت اخلاقی و اجتماعی فرزندان و افراد خانواده دارد (حسین‌زاده، ۱۳۸۶).

۲. توجه والدین به نقش مؤثر و جایگاه تربیتی خانواده: شخصیت انسان در شش سال اول زندگی شکل می‌گیرد و اگر بخواهیم بعدها شخصیت او را اصلاح کنیم، باید ابتدا کسی او را از عیب‌ها و کاستی‌هایش آگاه کند، سپس او اگر بخواهد، به سختی می‌تواند کاستی‌های خویش را جبران کند، به همین دلیل، نقش خانواده در تربیت اخلاقی کودک، بسیار مهم و زیربنایی است، بنابراین والدین کودک باید ابتدا به اهمیت و ضرورت تربیت اخلاقی کودک و نقش مؤثر خانواده در این زمینه آگاه گردند؛ سپس برای تربیت اخلاقی او، تلاش کنند (جاویدی کلاته جعفرآبادی، ۱۳۹۶).

۳. تلاش والدین برای تربیت اخلاقی فرزندان: خانواده، نقش تعیین‌کننده‌ای در تربیت اخلاقی افراد دارد، ارزش‌های اخلاقی مانند: نظم، مسئولیت‌پذیری، وفای به عهد، صداقت، درست‌کاری، عشق، محبت و خدمت به اطرافیان، خودباوری مثبت، تلاش برای غلبه بر سختی‌ها و مشکلات، نشاط و شادی، امید به آینده، تقدیر و تشکر از خوبی‌ها، ارزش‌های مهم و پایه‌ای در تربیت اخلاقی هستند، این ارزش‌ها در خانواده پایه‌گذاری می‌شوند، بنابراین، برای موفقیت در تربیت اخلاقی هم باید نهاد خانواده را حفظ و تقویت کرد و هم خود والدین و مسئولان تربیتی از ظرفیت‌های این نهاد برای تربیت اخلاقی افراد، استفاده کنند (مرویان حسینی، ۱۳۹۶)، افزون بر این، والدین باید با نظارت بر افراد و مکان‌هایی که فرزندانشان با آنها در

ارتباط هستند، مانع دوستی فرزندان با افراد ناشایست شده (حسین‌زاده، ۱۳۸۶). با حضور در مکان‌ها و محافل مذهبی و همراه بردن فرزندان خود در این فضاها، زمینه رشد و الگوگیری نیک فرزندان خود را فراهم نمایند (هنرجو و همکاران، ۱۳۹۴)، مثلاً اگر خانواده‌ها بتوانند فرزندان خود را با مسجد، پیوند دهند، نه تنها، آنان را نسبت به بسیاری از آسیب‌های اخلاقی بیمه کرده‌اند، بلکه آینده مادی آنان را نیز تأمین نموده‌اند؛ زیرا که فرزندان مسجد، فرزندان کار و تلاش، بینش و بصیرت و اخلاق و مسئولیت‌پذیری هستند (شیبانی و کریمی، ۱۳۹۵).

۴. پایبندی والدین به ارزش‌های اخلاقی: مهم‌ترین وظیفه پدر و مادر در تربیت اخلاقی فرزند خود این است که الگوهای اخلاقی خوبی برای او باشند، یعنی خود والدین در عمل به سخنان خود و توصیه‌های اخلاقی که به فرزند خود می‌کنند پایبند باشند (جاویدی کلاته جعفرآبادی، ۱۳۹۶).

۳-۳- نقش نهادهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی

۱. طراحی نظام جامع کاربردی تربیت اخلاقی بر اساس آموزه‌های اسلامی: از آنجا که مدرسه و دانشگاه هسته مرکزی ایجاد تحولات اجتماعی است و قشر تحصیل کرده، حاملان ارزش‌ها و افکار بدیع و عاملان ایجاد تغییرات اجتماعی می‌باشند (افشین و همکاران، ۱۳۹۵)، برای رهایی از مشکلات اخلاقی که امروزه، با آنها دست به گریبان هستیم، باید ابتدا به اهمیت و ضرورت تربیت اخلاقی پی برد، سپس برای رسیدن به اهداف تربیت اخلاقی که در اسناد بالادستی آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی، مشخص شده است، راهکارهای کاربردی و عملی تعریف کرد، مثلاً می‌بینیم که حقوق اجتماعی (مانند: حق عابر پیاده، حق راننده و حق معلولان) در جوامع غربی، بیشتر از جامعه ما رعایت می‌شود؛ یکی از علت‌های این امر، این است که قوانین آنها در این زمینه، کاربردی‌تر است (جاویدی کلاته جعفرآبادی، ۱۳۹۶)، اما باید توجه داشت که اخلاق اسلامی، کاملاً با اخلاق لیبرال، متفاوت است؛ زیرا، مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی مکتب اخلاقی اسلام که اصول تربیت اخلاقی اسلامی از آنها گرفته می‌شود، کاملاً با مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی لیبرالیسم که اصول تربیت

اخلاقی لیبرالی از آنها گرفته می‌شود متفاوت است (مرویان حسینی، ۱۳۹۶). بنابراین، برای موفقیت در تربیت اخلاقی، ابتدا باید یک مدل و نظام جامع تربیت اخلاقی بر اساس انسان‌شناسی اسلامی طراحی کرد، به گونه‌ای که مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی مورد استفاده، کاملاً هماهنگ با این نظام باشد (غفاری، ۱۳۹۶). برای تدوین مدل‌های کاربردی تربیت اخلاقی بر اساس مبانی اسلامی باید به چند نکته توجه کرد:

یک. توجه به انسان در چند حوزه ارتباطی؛ برای طراحی یک مدل تربیتی اخلاقی کاربردی و مفید بر اساس آموزه‌های اسلامی باید انسان به‌عنوان یک موجود کمال‌گرا و تعالی‌طلب، در چند حوزه دیده شود:

۱. انسان در حوزه ارتباط با خداوند؛
۲. انسان در حوزه ارتباط با خودش؛
۳. انسان در حوزه ارتباط و تعامل با دیگران.

برای بهبود ارتباط انسان‌ها در این سه حوزه، اندیشمندان اخلاق اسلامی باید آموزه‌های اخلاقی علمی، کاربردی و مبتنی بر هستی‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی ارائه کنند.

دو. ارائه مدل اخلاقی کاربردی، جزئی و متناسب با نیازهای مختلف مخاطبان؛ اندیشمندان اخلاق اسلامی باید به صورت اجتهادی، با آموزه‌های اخلاقی برخورد کنند و به تناسب مخاطبان خود و مسائلی که دارند، محتواهای اخلاقی مناسب، کاربردی و مفید، طراحی و تولید کنند سپس این محتواها باید به مخاطبان، با توجه به سن، جنسیت، نیازها و شرایط مختلف ایشان، از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی، آموزش داده‌شود، یکی از منابع مهم و کم‌نظیر در این زمینه، بیانات و دیدگاه‌های امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری در ارتباط با تهذیب نفس، تربیت، تربیت اخلاقی، توسعه اجتماعی و مانند آن است که هنوز تحقیق، جمع‌آوری و تدوین نشده است (مرویان حسینی، ۱۳۹۶).

طراحی این مدل، بر عهده اندیشمندانی است که هم با منابع اسلامی آشنا هستند و هم از نظریات تربیتی روان‌شناسی دانشگاهی آگاهی دارند، همچنین نیازمند کسانی

هستیم که انسان را با نگاه مدیریت اجتماعی و در عرصه اجتماع ببینند و برای او مدل تربیت اخلاقی اجتماعی ارائه کنند (همان)، البته باید توجه داشت که اگر چه، آموزه‌های اسلامی کلی و همیشگی است؛ اما مدل‌ها و برنامه‌های تربیتی، موقت و مربوط به زمان و شرایط جامعه‌ای است که می‌خواهیم آنرا تربیت کنیم، بنابراین، مدل‌ها و برنامه‌های تربیتی که طراحی و اجرا می‌شود پیوسته به ارزیابی، بازنگری، تکمیل و تصحیح نیاز دارند (درایتی، ۱۳۹۶).

پس از طراحی این مدل، محتوای کتب تربیتی و اخلاقی کشور، باید بر اساس این مدل با لحنی روان و همراه با ارائه الگوهای واقعی ایرانی و اسلامی تدوین گردد و محتوای سایر کتب درسی و آموزشی کشور هماهنگ و همسو با این مدل باشد (هنرجو و همکاران، ۱۳۹۴).

۲. بهاء دادن به تربیت اخلاقی دانش‌آموزان در نظام آموزشی کشور: برای موفقیت در تربیت اخلاقی جامعه، افزون بر طراحی مدل کاربردی تربیت اخلاقی، مراکز آموزش رسمی ما باید تربیت اخلاقی و پرورش افراد را در کنار آموزش آنها و حتی مهم‌تر از آن بدانند و برای اجرایی کردن این هدف، قوانین و راهکارهای مناسب وضع کرده، پیوسته بر اجرای این قوانین نظارت دقیق داشته‌باشند و نتایج کارهای انجام شده را ارزیابی کنند (جاویدی کلاته جعفرآبادی، ۱۳۹۶).

۳. همسو بودن محتواهای آموزشی و رفتار مسئولان آموزشی با نظام جامع کاربردی تربیت اخلاقی: محتوای آموزشی ما - از اول ابتدایی تا مقاطع تحصیلات تکمیلی دانشگاهی - باید بر اساس این نظام تربیت اخلاقی و پیوسته منظم، عاقلانه و بدون تضاد با سایر پایه‌ها و سایر رشته‌ها باشد، مثلاً عدالت و راست‌گویی که خوب است، باید در همه کتاب‌ها و همه رشته‌ها خوب معرفی شود (غفاری، ۱۳۹۶)، همچنین، رفتار افرادی که به صورت غیر مستقیم در آموزش دانش‌آموزان نقش دارند - مانند: مدیر، ناظم و خدمت‌کار مدرسه - و فعالیت‌های جانبی مدرسه - مانند: اردوها و فعالیت‌های پژوهشی - باید در راستای همین نظام تربیتی و هماهنگ با آن باشد (هنرجو و همکاران، ۱۳۹۴).

پژوهش‌ها نشان داده است که پایبندی معلمان و مسئولان مدارس، نقش تعیین

کننده‌ای در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دارد (ذوالقدر نسب و همکاران، ۱۳۹۵). بنابراین از سویی، مسئولان آموزشی کشور باید در انتخاب معلمان و اساتید، دقت داشته معلمان و اساتیدی را وارد نظام آموزشی کشور کنند که صلاحیت اخلاقی لازم را دارند (حسینی‌پور عزآبادی، ۱۳۹۵). از سوی دیگر، معلمان و اساتید ما باید از جایگاه و نقش الگوی اخلاقی خود آگاه شوند و باید اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی به ایشان آموزش داده شود (موسوی، ۱۳۹۵). به‌عنوان نمونه، باید اخلاق مهرورزانه (یعنی: آسیب نرساندن به دیگران، همراه با خدمت بدون چشم‌داشت به آنها)، در خانواده‌ها و مدارس ما، به بچه‌ها، آموزش داده شود و والدین، مربیان، معلمان و اساتید، خودشان اخلاق مهرورزانه را رعایت کنند (جاویدی کلاته جعفرآبادی، ۱۳۹۶).

۴. آشنا شدن روحانیان با مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی و آراسته شدن ایشان به اخلاق اسلامی: با توجه به شأن و جایگاه تبلیغی و تربیتی که حوزه علمیه و روحانیان دارند، برای موفقیت در تربیت اخلاقی جامعه، طلبه‌های حوزه‌های علمیه که وظیفه تبلیغ دین و تربیت اخلاقی جامعه را دارند باید با مبانی، اصول، اهداف و روش‌های تبلیغ و تربیت اخلاقی آشنا گردند و شأن و جایگاه روحانیت در جامعه حفظ شود (غفاری، ۱۳۹۶).

۳-۴- نقش رسانه‌ها

تبدیل دستورات اخلاقی به فرهنگ اجتماعی: بر اساس نظریه کاشت در ارتباطات جمعی، رسانه‌ها، همچون زمین کشاورزی، هر چه را در جامعه و زندگی اجتماعی، بکارند نتیجه آنرا درو می‌کنند (ذاکریان و متعجبیان، ۱۳۹۵). بنابراین، از آنجا که در دوران معاصر، رسانه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در انحطاط یا رشد اخلاقی جوامع دارند (رضایپور میرصالح و صیادی‌فرد، ۱۳۹۵)، پس از اینکه ما توانستیم آموزه‌های اخلاقی را تبدیل به مدل‌ها و برنامه‌های کاربردی تربیت اخلاقی کنیم، باید این برنامه‌ها را به رسانه‌های جمعی، مراکز آموزشی و مانند آن، ارائه دهیم تا آنرا تبدیل به فرهنگ عمومی و جریان اجتماعی کنند، اگر این کار انجام شود، پایداری به آن ارزش‌های اخلاقی، بسیار بیشتر می‌گردد، مثلاً اگر مردم یاد بگیرند که نظم خوب است، دروغگویی بد است، رعایت

قوانین راهنمایی و رانندگی برای خود ما مفید است و... رعایت این آموزه‌های اخلاقی در افراد جامعه، بسیار بیشتر می‌شود (درایتی، ۱۳۹۶). همچنین اگر فرهنگ حیا و عفاف، در جامعه نهادینه شده، بنیان خانواده محکم و استوار گردد، بسیاری از مشکلات اخلاقی فردی و اجتماعی از جامعه رخت برخواهد بست (رضاپور میرصالح و صیادی‌فرد، ۱۳۹۵).

۳-۵- نقش دولت و حکومت اسلامی

۱. تلاش برای اجرای مدل جامع تربیت اخلاقی: دولت و حکومت اسلامی نقش مهمی در اجرای مدل تربیت اخلاقی استخراج شده از منابع اسلامی دارد و باید ساختارها و ابزارهای لازم را برای اجرای این مدل و نظارت بر اجرای آن و ارزیابی نتایج حاصل از اجرای این مدل را فراهم کند، حکومت اسلامی باید برای اجرای این مدل تربیتی در نظام آموزش و پرورش رسمی و غیررسمی، در نظام فرهنگ اجتماعی در نظام تبلیغ و مدل‌های تبلیغات اجتماعی تلاش کند (مرویان حسینی، ۱۳۹۶).

۲. مقابله با نفوذ و گسترش فرهنگ‌ها و آداب ضد اخلاقی در جامعه: افزون بر اینکه دولت و حکومت اسلامی باید برای اجرای مدل تربیت اخلاقی اسلامی تلاش کند و بر حسن اجرای آن در نهادهای مختلف نظارت داشته باشد، حکومت اسلامی باید مراقب نفوذ فرهنگ‌های مهاجم و مغایر با ارزش‌های ملی و دینی ما و رواج ضدا ارزش‌هایی مانند: بی‌مسئولیتی، زیاده‌خواهی، آزادی‌های مخل به آزادی دیگران و مغایر با کمال انسان و... مقابله کند، هشدارهای مقام معظم رهبری در این زمینه به دولت‌ها و مسئولان، بسیار قابل تأمل و راه‌گشا است (مرویان حسینی، ۱۳۹۶).

۳-۶- نقش همه مسئولان و نهادهای مؤثر در تربیت اخلاقی

همانگ و همسو شدن با اهداف و آموزه‌های نظام جامع تربیت اخلاقی: مهم‌ترین و مؤثرترین گام پس از طراحی نظام کاربردی تربیت اخلاقی اسلامی این است که رفتار و گفتار تمام افراد و نهادهایی که در تربیت اخلاقی جامعه اثرگذارند (مانند: خانواده، نظام آموزشی، مسئولان حکومت، رسانه‌ها، ستاره‌های سینمایی و ورزشی و...) همه

باید هماهنگ با این نظام جامع تربیتی و در همان راستا باشد، در غیر این صورت، اگر مثلا نظام آموزشی ما، یک رفتار اخلاقی را به افراد بیاموزد و تبلیغات رسانه‌ای ما ضد آن ارزش را، بچه‌ها دچار چندگانگی و تعارض‌های اخلاقی و شخصیتی شده دچار آسیب‌های روانی و هویتی خواهند شد (کلمحمدی و خیراللهی رکن‌آبادی، ۱۳۹۵). بنابراین، برای دستیابی به یک جامعه سالم، همه دستگاه‌ها و نهادها، باید به ضرورت تربیت اخلاقی جامعه، پی برده، تمام تلاش خود را در این باره به کار گیرند (رسولی شورکی، ۱۳۹۵).

آسیب‌های تربیت اخلاقی در ایران معاصر و راه‌های مقابله با آنها	
الف) آسیب‌های فردی: اختیار و گرایش درونی انسان به پستی‌ها.	
ب) آسیب‌های ناشی از نظام خانواده: ۱. بی‌توجهی به نقش الگویی والدین و بزرگ‌ترها برای کودکان؛ ۲. اهمیت ندادن به تربیت اخلاقی فرزندان؛ ۳. وجود اختلافات خانوادگی و طلاق.	
ج) آسیب‌ها و مشکلات ناشی از نظام آموزشی و تربیتی: ۱. کمبود منابع کاربردی و کارآمد؛ ۲. بها ندادن به تربیت اخلاقی در نظام آموزشی کشور؛ ۳. نداشتن مدل‌های کاربردی تربیت اخلاقی؛ ۴. کمبود نگاه تربیتی در کارهای فرهنگی؛ ۵. بی‌اعتقادی و پایبند نبودن برخی مسئولان، معلمان و اساتید به ارزش‌های اخلاقی؛ ۶. عملکرد بد برخی از مبلغان دینی.	آسیب‌های تربیت اخلاقی
د) آسیب‌های ناشی از عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی: ۱. تضاد در رفتار خانواده‌ها، مربیان، معلمان، رسانه‌ها و مسئولان	

<p>حکومت با اهداف و آموزش‌های اخلاقی؛</p> <p>۲. مشکلات و فشارهای اقتصادی؛</p> <p>۳. تهاجم فرهنگ غربی؛</p> <p>۴. ساختارهای اجتماعی آسیب‌رسان؛</p> <p>۵. تحولات سریع اجتماعی.</p>	
<p>الف) نقش افراد: احساس مسئولیت و تلاش برای رشد اخلاقی خود.</p>	
<p>ب) نقش خانواده‌ها: ۱. تقویت بنیان خانواده؛ ۲. توجه والدین به نقش مؤثر و جایگاه تربیتی خانواده؛ ۳. تلاش والدین برای تربیت اخلاقی فرزندان؛ ۴. پایبندی والدین به ارزش‌های اخلاقی.</p>	<p>راه‌های مقابله با آسیب‌ها</p>
<p>ج) نقش نهادهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی: ۱. طراحی نظام جامع کاربردی تربیت اخلاقی بر اساس آموزه‌های اسلامی؛ ۲. بها دادن به تربیت اخلاقی دانش‌آموزان در نظام آموزشی کشور؛ ۳. همسو بودن محتواهای آموزشی و رفتار مسئولان آموزشی با نظام جامع کاربردی تربیت اخلاقی؛ ۴. آشنا شدن روحانیان با مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی و آراسته شدن ایشان به اخلاق اسلامی.</p>	
<p>د) نقش رسانه‌ها: تبدیل دستورات اخلاقی به فرهنگ اجتماعی.</p>	

<p>ه) نقش دولت و حکومت اسلامی:</p> <p>۱. تلاش برای اجرای مدل جامع تربیت اخلاقی؛</p> <p>۲. مقابله با نفوذ و گسترش فرهنگ‌ها و آداب ضد اخلاقی در جامعه.</p>	
<p>ی) نقش همه مسئولان و نهادهای مؤثر در تربیت اخلاقی:</p> <p>هماهنگ و همسو شدن با اهداف و آموزه‌های نظام جامع تربیت اخلاقی.</p>	

نتیجه‌گیری

گفته شد اگر چه در منابع دینی و اسناد بالادستی نظام تعلیم و تربیت ما، به تربیت اخلاقی افراد جامعه توجه گردیده و تأکید فراوانی بر آن شده است؛ اما در عمل، تربیت اخلاقی در ایران معاصر دچار مشکلات و نارسایی‌هایی است. آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در ایران معاصر نشان می‌دهد که این مشکلات و نارسایی‌ها در چند حوزه قابل بررسی است؛ مانند: آسیب‌های فردی (اختیار و گرایش درونی انسان به پستی‌ها)، آسیب‌های ناشی از نظام خانواده (۱. بی‌توجهی به نقش الگویی والدین و بزرگ‌ترها برای کودکان؛ ۲. اهمیت ندادن به تربیت اخلاقی فرزندان؛ ۳. وجود اختلافات خانوادگی و طلاق)، آسیب‌ها و مشکلات ناشی از نظام آموزشی و تربیتی (۱. کمبود منابع کاربردی و کارآمد؛ ۲. بها ندادن به تربیت اخلاقی در نظام آموزشی کشور؛ ۳. نداشتن مدل‌های کاربردی تربیت اخلاقی؛ ۴. کمبود نگاه تربیتی در کارهای فرهنگی؛ ۵. بی‌اعتقادی و پایبند نبودن برخی مسئولان، معلمان و اساتید به ارزش‌های اخلاقی؛ ۶. عملکرد بد برخی از مبلغان دینی) و آسیب‌های ناشی از عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی (۱. تضاد در رفتار خانواده‌ها، مربیان، معلمان، رسانه‌ها و مسئولان حکومت با اهداف و آموزش‌های اخلاقی؛ ۲. مشکلات و فشارهای اقتصادی؛ ۳. تهاجم فرهنگ غربی؛ ۴. ساختارهای اجتماعی آسیب‌رسان؛ ۵. تحولات سریع اجتماعی).

از این‌رو، با توجه به آسیب‌های یاد شده، گفته شد برای سامان دادن به تربیت

اخلاقی در ایران معاصر، باید در چند حوزه، برنامه‌ریزی شده و افراد و نهادهای مسئول وظیفه و نقش خود را در این زمینه، شناخته، به آن عمل کنند؛ مانند: نقش افراد (احساس مسئولیت و تلاش برای رشد اخلاقی خود)، نقش خانواده‌ها (۱. تقویت بنیان خانواده؛ ۲. توجه والدین به نقش مؤثر و جایگاه تربیتی خانواده؛ ۳. تلاش والدین برای تربیت اخلاقی فرزندان؛ ۴. پایبندی والدین به ارزش‌های اخلاقی)، نقش نهادهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی (۱. طراحی نظام جامع کاربردی تربیت اخلاقی بر اساس آموزه‌های اسلامی؛ ۲. بها دادن به تربیت اخلاقی دانش‌آموزان در نظام آموزشی کشور؛ ۳. همسو بودن محتواهای آموزشی و رفتار مسئولان آموزشی با نظام جامع کاربردی تربیت اخلاقی؛ ۴. آشنا شدن روحانیان با مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی و آراسته شدن ایشان به اخلاق اسلامی)، نقش رسانه‌ها (تبدیل دستورات اخلاقی به فرهنگ اجتماعی)، نقش دولت و حکومت اسلامی (۱. تلاش برای اجرای مدل جامع تربیت اخلاقی؛ ۲. مقابله با نفوذ و گسترش فرهنگ‌ها و آداب ضد اخلاقی در جامعه)، نقش همه مسئولان و نهادهای مؤثر در تربیت اخلاقی (هماهنگ و همسو شدن با اهداف و آموزه‌های نظام جامع تربیت اخلاقی).

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. افشین، جواد، ریحانی، معصومه، دایی‌زاده، حسین، سلیمان‌پور عمران، محبوبه و باقرپور، معصومه، «نگاهی بر تربیت اخلاقی در نظام آموزش عالی ایران»، دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ۳/ ۱۰/ ۱۳۹۵.
۳. باقری، خسرو نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۵.
۴. بروجردی، حسین، جامع احادیث الشیعة، قم، منشورات مدینة العلم، ۱۳۳۶.
۵. تاج‌الدین، مرضیه و بازارگادی، مهنوش، «قرآن کریم و نهضت تربیتی پرورشی: مولفه‌ها و شاخص‌های تربیتی از دیدگاه قرآن کریم»، نشریه کوثر، ۱۳۸۸، شماره ۳۲، ص ۶۲-۴۷.
۶. جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره، هیأت علمی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی، تاریخ مصاحبه: ۱۳/ ۴/ ۱۳۹۶، مکان، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد.
۷. حسین‌زاده، اکرم، آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی، کتاب نقد، ۱۳۸۶، شماره ۴۲، ص ۱۱۳-۱۲۸.
۸. حسینی‌پور عزآبادی، سید محمدابراهیم، «تأثیر محیط‌های اخلاقی نامساعد بر تربیت اخلاقی»، دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ۳/ ۱۰/ ۱۳۹۵.

۹. داودی، محمد، «رویکردها و پرسش‌های بنیادین در تربیت اخلاقی»، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن معارف اسلامی، سال دوم، شماره ۲، بهار ۱۳۸۵، ص ۱۵۳-۱۷۵.
۱۰. درایتی، حمید، حافظ قرآن و نهج البلاغه و استاد دروس خارج حوزه علمیه مشهد مقدس، تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۶ / ۵ / ۴، مکان، مدرسه علمیه نواب.
۱۱. ذاکریان، ملیحه و متعجبیان، محمد، «نقش رسانه در تربیت اخلاقی و رفتار اجتماعی»، دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ۳ / ۱۰ / ۱۳۹۵.
۱۲. ذوالقدر نسب، محسن، مشحوریان، فاطمه و مه‌ری، فریبا، «بررسی تأثیر مدرسه اخلاقی در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان از دیدگاه دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان»، دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ۳ / ۱۰ / ۱۳۹۵.
۱۳. رسولی شورکی، حسن، «ارتباط تربیت اخلاقی و سلامت روان جامعه»، دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ۳ / ۱۰ / ۱۳۹۵.
۱۴. رضاپور میرصالح، یاسر و صیادی‌فرد، کبری، «اهمیت تأکید بر آموزه‌های دینی در پرورش مفاهیم اخلاق در خانواده در کودکان»، دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ۳ / ۱۰ / ۱۳۹۵.
۱۵. روحانی‌نژاد، حسین، تعلیم و تربیت در اسلام، ج ۱، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۹.
۱۶. زادگی میرزایی، مرتضی، آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در محیط آموزشی، دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ۳ / ۱۰ / ۱۳۹۵.
۱۷. سعیدی رضوانی، محمود، عضو هیأت علمی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۶ / ۵ / ۱، مکان، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۸. شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند راهبردی تحول نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، مرداد ۱۳۸۹.
۱۹. شیبانی، ام البنین و کریمی، مسعود، «بررسی نحوه تعامل مسجد و خانواده در تربیت دینی و اخلاقی فرزندان»، دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ۳ / ۱۰ / ۱۳۹۵.
۲۰. شیرزاد کبریا، بهاره، جعفری، محمدرضا و اکبری، طاهره، «بررسی و شناسایی کارکردهای تربیتی مسجد طراز اسلامی از دیدگاه مسئولان مساجد استان سمنان»، دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ۳ / ۱۰ / ۱۳۹۵.
۲۱. غفاری، ابوالحسن، «آشنایی با مبانی فکری و فلسفی فرهنگ غرب»، مجله معرفت، ۱۳۸۲، شماره ۷۲، ص ۱۰۱-۱۰۵.
۲۲. غفاری، ابوالفضل، عضو هیأت علمی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۶ / ۴ / ۴، مکان: دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۳. فضل الله، سید محمدحسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹.
۲۴. فیروزمهر، محمد مهدی، تربیت اخلاقی با نگاهی قرآنی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳.

۲۵. فیض کاشانی، ملا محسن، المحجة البيضاء فی تهذیب الإحیاء، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۶.
۲۶. کاردان، علی محمد، «گزارش یک نشست: سیر تحول تربیت دینی در غرب»، فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۵۷-۱۶۸.
۲۷. گل‌محمدی، شهین و خیراللهی رکن آبادی، سید عباس، آسیب‌شناسی بحران‌های اخلاقی-اجتماعی جامعه امروز، دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ۳/۱۰/۱۳۹۵.
۲۸. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، تحقیق، الشیخ بکری حیانی، بی‌جا، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹.
۲۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۳۰. مجمع تشخیص مصلحت نظام، سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، ۱۳/۸/۱۳۸۲.
۳۱. مرویان حسینی، سید محمود، عضو هیأت علمی رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی، تاریخ مصاحبه: ۲۵/۴/۱۳۹۶، مکان، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۳۲. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۲.
۳۳. موسوی، سید علی محمد، آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزش و پرورش با تأکید بر نقش معلم، دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ۳/۱۰/۱۳۹۵.
۳۴. نجفی، هادی، موسوعة أحاديث أهل البيت عليه السلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۲۳.
۳۵. نراقی، احمد بن محمد مهدی، معراج السعادة، ج ۶، قم، نشر هجرت، ۱۳۷۸.
۳۶. نقی‌زاده، حسن، عضو هیأت علمی رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی، تاریخ مصاحبه: ۷/۵/۱۳۹۶، دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد.
۳۷. هنجو، بختیار و صدیقی، ابراهیم و صدیقی، عباس، آسیب‌شناسی تربیت دینی در مدارس، مجموعه مقالات سومین همایش علمی - پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، قم، ۱۳۹۴.

